فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دهم، شماره سوم (پیاپی ۳۷)، پاییز ۱۴۰۰
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۱۹۸-۱۷۵

تبیین نقش اعتبارات مالی در تولید کشاورزی نواحی روستایی شهرستان ماسال

سمیه عاشوری‌مریدانی؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
محمدباسط قریشی*؛ استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
عیسی پوررمضان ـ استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰

چکیده

ضعف مالی بسیاری از روستاییان برای تأمین هزینه‌های اولیه تولید در بخش کشاورزی، آنها را از ادامه فعالیت دلسرد می‌کند و احتمالاً یکی از مهم‌ترین پیامدهای ادامه این وضع، پرداختن روستاییان به مشاغل خدماتی، فروش و تغییر کاربری اراضی و در مواردی مهاجرت به شهرهاست. آنچه که می‌تواند موجبات بازدارندگی این روند نامطلوب را فراهم آورد افزایش سرمایهٔ خانوارهای روستایی از طریق اختصاص اعتبارات مالی است. این اعتبارات با هدف ارائه خدمات مالی به گروه‌های کم درآمد در کشورهای در حال توسعه در سه دههٔ اخیر مطرح شده است و با اعطای وام به روستاییان به‌ویژه آنهایی که در امور تولیدی فعالیت دارند این امکان را می‌دهد که به سبب فراهم بودن نقدینگی بتوانند نیازهای مالی‌شان را برای انجام عملیات تولیدی و تهیه نهاده‌های کشاورزی تأمین نمایند. بر این اساس هدف پژوهش حاضر، تبیین نقش اعتبارات مالی در تحولات بخش کشاورزی نواحی روستایی شهرستان ماسال است. بدین منظور با استفاده از روش تحقیق توصیفی ـ تحلیلی، وضعیت وام‌های دریافتی ۳۳۱ خانوار نمونه روستایی در ۱۵ روستای منتخب طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد مجموع سطح زیر کشت و میزان کل تولیدات زراعی آبی به ترتیب با افزایش ۱۰/۱ درصدی و ۳۷/۶ درصدی مواجه شد و مجموع سطح زیر کشت و میزان کل تولیدات زراعی دیم به ترتیب یک افزایش ۳۴/۸ درصدی و ۲۳/۳ درصدی را نشان داد. در بخش کشت محصولات باغی آبی نیز سطح زیر کشت و میزان تولید به ترتیب ۵۰ درصد و ۳۴/۶ درصد افزایش یافت. محصولات باغی دیم نیز با افزایش ۲۳/۴ درصدی در سطح زیر کشت و افزایش ۳۳/۵ درصدی در تولیدات مواجه شد. لازم به ذکر است که افزایش سطح زیرکشت اراضی زراعی، عمدتاً به دلیل تغییر کاربری اراضی جنگلی (جنگل‌تراشی) و تبدیل اراضی بایر بوده است. جمع‌بندی یافته‌ها بر این نکته تأکید دارد که اعطای اعتبارات مالی به روستاییان موجب افزایش بازدهی اراضی کشاورزی شده و اثرات مطلوبی برجای گذاشته است.

واژگان کلیدی: اعتبارات مالی، وام روستایی، تولید کشاورزی، نواحی روستایی، ماسال.

* mbasetgh@gmail.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

۱) مقدمه

کارکرد اقتصادی یکی از مهمترین کارکردهای جوامع روستایی است که نقش اساسی در مکان‌گزینی و پایداری سکونتگاه‌ها، تولید اقتصادی، معیشت، درآمدزایی و ایجاد فرصت‌های شغلی دارد. این کارکرد علی‌رغم نقش گسترده بخش کشاورزی صرفاً در این بخش خلاصه نشده و به نظر می‌رسد که حرکت این جوامع به سمت تنوع‌سازی زمینه‌های اشتغال، معیشت و درآمد اجتناب‌ناپذیر باشد. در این رابطه هر ناحیه روستایی به تناسب شرایط جغرافیایی و قابلیت‌های درونی خویش قادر به پیمودن این راه و تحقق اهداف کمّی و کیفی خویش است (مشیری و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۴۳). تحولات اقتصادی ـ اجتماعی اثرات مهمی بر توسعه‌یافتگی نواحی روستایی برجای می‌گذارد. از یک‌سو می‌تواند باعث شکوفایی روستا شده و در کیفیت زندگی ساکنین محلی مؤثر واقع شود؛ و از سوی دیگر نیز به دلیل کم توجهی مدیران برنامه‌ریز و اجرایی به توان‌های روستا، این تحولات منشأ چالش‌ها و تعارضاتی در نواحی روستایی شوند که نتیجه آن ایجاد حس نارضایتی در بین ساکنین شود. دولت‌ها سعی کرده‌اند به راه‌های مختلف و با انگیزه‌های متفاوت با مسئله فقر روستایی در ارتباط باشند و در بیشتر مناطق در حال توسعه سیاست‌هایی را برای ارتقاء و توسعهٔ بخش روستایی اتخاذ می‌کنند ولی اکثر این سیاست‌ها به انگیزه‌های اقتصادی انحرافی منجر می‌شود و در واقع سیاست‌های روستایی آنها، دلیل اصلی توسعه نیافتگی روستایی است (دارابی، ۱۳۸۴: ۷۴). برای مثال بازدهی پایین مشاغل بخش کشاورزی به دلیل دسترسی محدود به فناوری نوین، دسترسی محدود به سرمایه و نقدینگی به منظور تهیه نهاده‌ها و افزایش توان تولید و به کارگیری فناوری نوین در بخش کشاورزی، نبود صنایع فرآوری و بسته‌بندی محصولات، سرمایه‌گذاری ناچیز در صنایع سبک و همینطور صنایع دستی باعث شده تا روستاییان شاغل در بخش کشاورزی با طیف گستره‌ای از مشکلات و نارسایی‌های اساسی مواجه شده و در تأمین هزینه‌های اولیه خود عمدتاً با تنگنا مواجه شده و عملاً نتوانند به تنهایی بر این مشکلات فائق آیند و این همان دور تسلسل فقر روستاست. برای برون‌رفت از این مشکل و یا برای کاهش اثرات و تبعات منفی آن چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد که توانمندسازی مالی روستاییان یکی از مهمترین راهکارهایی باشد که توسط اندیشمندان و پژوهشگران حوزه مسائل روستا ارائه شده است (فلاحتکار، ۱۳۹۶: ۷).

تأمین مالی به‌عنوان راهبردی برای برون‌رفت از فقر در فضاهای روستایی در دهه ۱۹۷۰ مورد توجه بسیاری از کشورهای آسیایی به ویژه کشورهای جنوب و جنوب شرق قرار گرفت (عزیزپور و خداکرمی، ۱۳۹۴: ۵۸). محدود بودن سرمایه مالی در روستاها از یک طرف و عدم انطباق شرایط واحدهای بهره‌بردار روستایی با قوانین و مقررات نهادهای مالی شهری سبب شده تا منابع مالی مورد نیاز روستاییان فراهم نشود. البته در این بین، بایستی به پایین بودن بازده دو عامل کار و سرمایه اشاره کرد چرا که این وضعیت انگیزه نهادهای مالی را برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات کمتر نموده است. اما برای برون‌رفت از این وضعیت، در چارچوب سیاست‌های توسعهٔ روستایی یکی از راه حل‌های رفع مشکل مالی روستاییان، اعطای اعتبارات خُرد است. این سازوکار که می‌تواند نابسامانی عمده نظام اقتصاد روستایی را برطرف سازد، در دهه گذشته مورد استقبال فراوان واقع شده و توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. این توفیق به حدی بوده که سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را سال اعتبارات خُرد نامید. اعتبارات خُرد را می‌توان فعالیت‌های مالی و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

اعتباری کوچک، کوتاه‌مدت و آسان نامید که با اهدافی چون توانمندسازی (محرومان)، فقر ستیزی، عدالت محوری و فرصت‌آفرینی به فعالیت‌های سودآوری و پایدار اقدام می‌نماید (نوری نائینی، ۱۳۸۴: ۸).

قابلیت‌های متنوع شهرستان ماسال در استان گیلان که در پژوهش حاضر به‌عنوان محدودهٔ مورد مطالعه انتخاب شده است، موجب شده تا مدیران در صدد جذب اعتبارات مالی از دولت برای بخش‌های مختلف اقتصادی، کالبدی و اجتماعی روستاها باشند تا از این طریق بتوانند از فقر روستاها کاسته و همانند گذشته آنها را به مکان‌هایی مولد و درآمدزا تبدیل کنند. قابل ذکر است که اعتبارات اخذ شده از سازمان جهاد کشاورزی در زمینه کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری) و همچنین بانک‌ها نیز در زمینه‌های کارآفرینی نظیر گردشگری و صنایع دستی اعتباراتی را به روستاییان پرداخت کرده‌اند. حال با نظر به اینکه منظور از تحولات در این پژوهش، تحولات اقتصادی بخش کشاورزی است، این سؤال مطرح می‌شود که اعتبارات عمرانی چگونه توانسته موجبات تحولات این بخش را در نقاط روستایی شهرستان ماسال فراهم کند؟

۲) مبانی نظری

اعتبارات مالی خرد به معنی انتقال موقتی قدرت خرید از یک فرد حقیقی یا حقوقی به فرد دیگری است که کارایی و مدیریت لازم برای انجام فعالیت دارد، ولی فاقد سرمایه است (علیپور، ۱۳۹۱: ۴). مفهوم اعتبارات خرد را در عبارت کوچک، کوتاه و بدون وثیقه می‌دانند؛ به عبارت دیگر از این منظر، اعتبارات خرد عموماً اعتبارات کوچک و وام‌هایی است که از نظر مبلغ کوچک بوده و بدون دریافت وثیقه از طرف یک موسسه مالی به اقشار کم درآمد پرداخت می‌گردد (عمادی، ۱۳۹۰). اما مفهوم کاربردی این واژه در پژوهش حاضر، به تسهیلات اعتباری و ریالی نهادهای دولتی نظیر بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری محدوده شده است که برای گشایش فعالیت‌های اقتصادی روستاییان اختصاص می‌یابد.

برنامه‌های اعتبارات خرد علاوه بر عرضه تسهیلات مالی، ممکن است تسهیلات اجتماعی هم ارائه کند که شامل مواردی مانند تشکیل گروه، افزایش اعتماد به نفس، افزایش ظرفیت‌های مدیریتی در میان اعضاء و ... می‌شود (Arifujjaman Khan & Rahaman, 2007). لذا اعتبارات مالی، وضع فقرا (دهک‌های پایین جامعه)، کشاورزان کوچک و زنان را بهبود بخشیده و دسترسی آنها به وام کم بهره و مستقیم را افزایش داده و ضمن اشتغال‌زایی و افزایش درآمد، در توانمندسازی و بهبود استاندارد زندگی آنها موفق بوده و دست رباخواران را از زندگی آنها کوتاه خواهد کرد (ساعی و ضیایی، ۱۳۹۵: ۲۲۹). این تسهیلات عمدتاً برای کسانی است که از لحاظ اقتصادی فعال بوده ولی دارای محدودیت‌های مالی و آسیب‌پذیری بالایی هستند (Mittal, 2014: 32). ویژگی عمده اعتبارات مالی، تأمین شدن سریع و آسان، نیاز نداشتن به وثیقه سنگین و سهم آورده، بی توجهی به سودآوری در ارائه خدمات اعتباری است. دسترسی به اعتبارات خرد در توسعه کشاورزی در مناطق روستایی، شرط ضروری است نه کافی؛ لذا سایر شرایط نیز مانند تهیه زیرساخت‌ها، سرمایه انسانی، اطلاعات، عوامل اجتماعی و فرهنگی در این امر دخیل است (Roht, 2002). ویژگی‌هایی برای اعتبارات مالی در مقایسه با دیگر اعتبارات عنوان شده که عبارتند از: ۱) سهل‌الوصول بودن دریافت این اعتبارات؛ ۲) تناسب با نیاز گیرندگان؛ ۳) محور قرار داشتن گروه‌های کم درآمد به‌ویژه فقرای روستایی؛ ۴) اعمال نرخ بهره‌هایی که هزینه مؤسسه تأمین

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

مالی خود را پوشش دهد؛ ۵) پایین بودن نرخ بهره در مقایسه با نرخ بازار غیررسمی روستایی؛ ۶) اتکاء هرچه بیشتر به منابع مردمی تا اتکاء به منابع دولتی و یارانه‌ای (بختیاری، ۱۳۸۹). از طرفی هم عمده اهدافی که در بخش کشاورزی برای اعتبارات مالی عنوان می‌شود عبارتند از: ۱) کمک به سرمایه کشاورز جهت نیازهای فردی از قبیل خرید کود شیمیایی، تهیه سموم برای دفع آفات نباتی، تعمیرات لازم در تراکتور و پمپ آب، خرید نهاده‌های کشاورزی و از این قبیل؛ ۲) کمک به کشاورز در جهت عدم نیاز برای مراجعه به بخش غیررسمی مالی و کمک به آنان در وام گرفتن از منابع اعتباری رسمی به دلیل نداشتن وثیقه‌های لازم؛ ۳) دنبال کردن اهداف عدالت اجتماعی و کمک به توزیع بهتر و عادلانه‌تر درآمد بین جوامع شهری و روستایی؛ ۴) کمک‌های کوتاه‌مدت به کشاورز برای جوابگویی به مشکلات نقدینگی که به خاطر فصلی بودن تولید و درآمد معمولاً با آن مواجه است (بختیاری، ۱۳۸۹).

کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل (اسکاپ) هدف از اعطای اعتبارات خرد به روستاییان را فقرزدایی، ایجاد اشتغال، درآمدزایی، توسعه اجتماعی و ترویج و آموزش کشاورزی، افزایش خودکفایی و حفظ عزت نفس روستاییان می‌داند (ESCAP, 1996: 13). برخی دیگر از پژوهشگران، اهداف اعتبارات خرد را در دو گروه اهداف عام و خاص بدین شرح در نظر گرفته‌اند:

در اهداف عام اعتبارات مالی: برطرف کردن نیازهای کوتاه مدت و تأمین سرمایه به منظور ایجاد شغل مد نظر است. در حالی که در اهداف خاص این اعتبارات در بخش کشاورزی: ۱) کمک به سرمایه کشاورز برای نیازهای فردی از قبیل خرید کود کشاورزی؛ ۲) کمک به کشاورز برای عدم نیاز به مراجعه به بخش غیررسمی مالی؛ و ۳) دنبال کردن اهداف عدالت اجتماعی و کمک به توزیع بهتر و عادلانه‌تر درآمد بین جوامع روستایی و جوامع شهری مورد توجه است (عزیزپور و خداکرمی، ۱۳۹۴: ۵۹).

در دهه‌های اخیر، کاهش فقر و افزایش سطح رفاه خانوارها به یکی از مباحث مهم توسعه اقتصادی کشورها تبدیل شده است؛ به طوری که کاهش فقر و بهبود سطح رفاه افراد در جامعه شرط لازم برای رشد اقتصادی محسوب می‌شود (مولایی و رحیمی راد، ۱۳۹۵: ۲۱۶). در کشورهای در حال توسعه نیز اعتبارات نقشی تعیین کننده در توسعه کسب و کارهای کشاورزی و دامپروری داشته است (Escobal, 2001: 497). لذا هدف صندوق‌های اعتبارات مالی به دنبال دستیابی به اهداف طرح‌های توسعه‌ای در جهت کاهش فقر، بسیج منابع مالی جامعه محلی و سازماندهی جامعه محلی در گروه‌هایی همگراست (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۱). به طور کلی برخی از مهمترین تحولات اقتصادی بخش کشاورزی در نواحی روستایی را که با تخصیص اعتبارات مالی به روستاییان در غالب سرمایه‌گذاری‌هایی با اعتبارات خرد و کلان انجام می‌شود را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

افزایش بازدهی اراضی کشاورزی به دلیل استفاده از تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جدید که در سطح جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ افزایش تولید محصولات متنوع کشاورزی با تکیه بر پایداری‌های شاخص‌های زیست‌محیطی بدست می‌آید؛ جلوگیری از هدررفت منابع آب و خاک روستا در درازمدت که در واقع یکی از مهمترین جنبه‌های متحول ساختن روستاست و حفاظت از این منابع سبب ایجاد تحولات اقتصادی، کالبدی و اجتماعی می‌شود؛ استفاده بهینه از نهاده‌های تولید و جلوگیری از هدررفت آن‌ها به دلیل نپرداختن به شیوه‌های سنتی؛ افزایش میل و اشتیاق روستاییان کم بضاعت به تولید محصولات زراعی، باغی و دامی که از طریق اعطای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

اعتبارات خرد به آنها بدست می‌آید؛ ایجاد کانون‌هایی که جنبه مرکزیت تولید یک محصول خاص را به دلیل شرایط آب و هوایی منحصر به فرد به دنبال دارد مثل تولید زیتون در شهرستان رودبار، چای در دامنه‌های شمال شرقی استان گیلان، بادام زمینی در شهرستان آستانه اشرفیه و...؛ افزایش فرصت‌های شغلی در روستا به دلیل تنوع بخشی به مشاغل غیرکشاورزی که در زمره صنایع پشتیبان بخش کشاورزی محسوب می‌شوند؛ توجه به صنایع تبدیلی محصولات زراعی، باغی و دامی در داخل روستا و تولید محصولات؛ توجه به صنایع بسته‌بندی باکیفیت محصولات زراعی، باغی و دامی برای عرضه به بازارهای منطقه‌ای و ملی و حتی فراملی؛ ایجاد مشاغل پایدار و غیرفصلی که مانع از مهاجرت روستاییان به شهرها می‌گردد؛ رسیدگی به افراد کارآفرین از جمله زنان روستایی که می‌توانند بخشی از موجبات شکوفایی و تحولات اقتصادی روستایشان را تحقق بخشند؛ ایجاد درآمدهای مکمل و پایدار در فصل‌های غیرزراعی که سبب افزایش درآمد و بهبود معیشت ساکنان روستایی می‌شود (برگرفته از: موحدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ ساعی و ضیایی، ۱۳۹۵؛ عزیزپور و خداکرمی، ۱۳۹۴؛ عینالی و سهرابی وفا، ۱۳۹۵).

جایگاه اعتبارات مالی در نظریه‌های اقتصادی

اعتبارات مالی از مباحث عمده در اقتصاد نئولیبرال است که پس از تغییراتی در نظریه‌های اقتصادی و دیدگاه‌های توسعه به مثابه محرک اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای گرفتار مشکلات تورم و بیکاری فزاینده و توزیع ناعادلانهٔ ثروت و درآمد، کلید حل معما به شمار می‌رود (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶: ۴). از زمان گسترش عرضهٔ اعتبارات به مناطق روستایی تاکنون، دیدگاه‌هایی متفاوتی در این زمینه وجود داشته و وجه اشتراک تمامی آنها این است که عرضهٔ اعتبار در کاهش فقر خانوارهای روستایی نقشی مهم دارد. این دیدگاه‌ها عبارتند از:

۱) دیدگاه بازارگرا: بازارگرایان معتقدند که بازار مالی شباهت‌های زیادی به بازار رقابت کامل دارد؛ روستاییان کم درآمد و واحدهای کوچک مقیاس می‌توانند با مراجعه به این بازار، نیازهای خود را بر طرف کنند. اما اشکال کار اینجاست که دولت با مداخله در این بازار تعادل را از میان می‌برد و روستاییان به همین دلیل نمی‌توانند تمام نیازهای خود را تأمین کنند. بهترین اقدامی که دولت می‌تواند انجام دهد، کاهش مداخله و نظارت و هدایت بازار و رفع موانع و محدودیت‌هایی است که بازار با آنها مواجه است. طرفداران مکتب «اوهایو» از مهم‌ترین گروه‌هایی به شمار می‌روند که سازوکار بازار و کاهش مداخلهٔ دولت را تنها راه مؤثر برای افزایش دسترسی روستاییان فقیر به خدمات مالی می‌دانند. اما منتقدان دیدگاه بازارگرا معتقدند که سازوکار بازار به تنهایی پاسخگوی تمام مشکلات نیست و بنا بر توزیع ناعادلانه منابع و امکانات در بازارهای مالی روستایی لازم است که در بازار مالی روستایی مداخله شود (معظمی، ۱۳۷۷: ۵۴-۵۸).

۲) دیدگاه دولت‌گرا: در روش مداخلهٔ متمرکز، دولت نقش اصلی را بر عهده دارد و با وضع قوانین مختلف سعی می‌کند تا عرضهٔ اعتبارات به مناطق روستایی افزایش یابد. در این روش مهم‌ترین ابزارهایی که برای مداخله در بازارهای مالی روستایی استفاده می‌شود، پرداخت یارانه به نهادهای مالی برای کاهش نرخ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

بهره و نظارت و تضمین وام‌هاست. از آنجایی که یکی از مشکلات روستاییان کم درآمد نداشتن وثیقه و ضامن است و به همین خاطر بانک‌های تجاری برای پرداخت وام به آنها رغبتی ندارند، برای حل این مشکل، دولت ضمانت وام‌هایی را به عهده می‌گیرد که به گروه‌های کم درآمد پرداخت می‌شوند. این ابزار در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نظیر مکزیک، کاستاریکا و نیجریه کارآیی دارد (معظمی، ۱۳۷۷: ۶۲).

۳) دیدگاه جامعه‌گرا: تشویق مشارکت مردمی، جذب پس‌انداز روستاییان و ساختار تصمیم‌گیری غیرمتمرکز از مهم‌ترین ویژگی‌های روش جامعه‌گراست. در این روش از شیوه‌های جدید و ابتکاری برای توزیع وام‌ها استفاده شود. از این رو، به جای مراجعهٔ وام گیرنده به نهاد مالی که در روش‌های سنتی متداول است – وام‌دهندگان با ایجاد و تقویت سازمان‌ها و نهادهای مالی به روستا می‌روند و وام را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند؛ و بازپرداخت وام‌ها نیز به شکل قسط‌های کوچک و هفتگی صورت می‌گیرد تا مشکلی برای روستاییان ایجاد نشود (معظمی، ۱۳۷۷: ۶۸).

در بسیاری از نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی به اهمیت اعتبارات مالی اشاره شده که خلاصه برخی از این دستاوردهای علمی بدین شرح است:

Celik (2000) با بررسی تأثیر استفاده و کارایی اعتبارات مالی در بخش زراعی و دامی کشور ترکیه نشان داد که ۱۰۰ درصد افزایش در اعتبارات تولید محصول، منجر به افزایش ۱۲ درصدی در ارزش تولیدات زراعی و افزایش ۵۰ درصدی در ارزش تولیدات دامی می‌شود؛ Cechura (2006) در بررسی سهم اعتبارات در کشاورزی برای بهره‌برداری‌های بزرگ مقیاس در کشور چک دریافت که اعطای تسهیلات باعث بزرگ شدن مقیاس زمین مالکان شده و اثر مثبتی بر اقتصاد کشاورزی و بهره‌وری تولید می‌گذارد؛ Tomasz (2008)، در ارزیابی نقش اعتبارات کشاورزی در تحریک و تحولات بخش کشاورزی کشور لهستان به این نتیجه رسید که اعتبارات کشاورزی که اکثراً توسط بانک‌های تعاونی، تأمین مالی می‌شود، سبب تحول در متوسط اندازه مزرعه و اشتغال در بخش کشاورزی می‌شود؛ Abedullah etal. (2009)، اثر اعتبارات مالی خرد را بر رشد فعالیت‌های بخش دام برای ۵۰ دامدار تولید کننده شیر در ۱۰ روستای پاکستان در سال ۲۰۰۷ مثبت ارزیابی کرد و دریافت که عرضه اعتبارات سبب ارتقای درآمد و رشد بخش دام می‌گردد؛ Anthony (2010)، در مطالعات میدانی خود در زمینه تأثیر اعتبارات کشاورزی بر رشد اقتصادی نواحی روستایی کشور نیجریه به این نتیجه رسید که اعتبارات کشاورزی یک ابزار مؤثر برای توسعه محصولات کشاورزی، صادرات غیرنفتی و ثبات تولید ناخالص داخلی در اقتصاد نیجریه است؛ Khan et al. (2011)، تأثیر اعتبارات بخش کشاورزی در تحولات مناطق روستایی کشور پاکستان را بسیار مهم دانسته و دریافتند که اعتبارات کشاورزی نه تنها کشاورزی را توسعه می‌دهد بلکه بر هر بخشی از اقتصاد تأثیر مثبت دارد و توجه به اعتبارات در نواحی روستایی نه تنها مشکلات بحران غذا را حل می‌کند بلکه رشد اقتصادی، صرفه‌جویی، اشتغال و صنایع و غیره را نیز افزایش می‌دهد؛ مشیری، حاجیلویی و آمار (۱۳۸۳)، در مطالعه ضرورت تحول در کارکرد اقتصادی نواحی روستایی بخش خورگام شهرستان رودبار نقش اعتبارات مالی را صرفاً در بخش کشاورزی ندانسته و اذعان کردند که تنوع‌سازی زمینه‌های اشتغال، معیشت و درآمد، افزایش جمعیت و کاهش مهاجرت‌ها از طریق اعطای اعتبارات خرد اجتناب‌ناپذیر است؛ افتخاری و عینالی (۱۳۸۴)، نیز در ارزیابی نقش اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه اقتصادی روستاهای حوزه آبریز رودخانه خرارود واقع در شهرستان خدابنده، به این نتیجه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

رسیدند که درصد تأثیرات اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعهٔ روستایی را زیاد دانسته و آن را زمینه‌ساز ارتقای افزایش درآمد، اشتغال‌زایی و کاهش مهاجرت دانسته‌اند؛ افتخاری، عینالی و سجاسی قیداری (۱۳۸۵)، اعتبارات خرد بانکی در تعاونی‌های خودجوش روستایی شهرستان خدابنده را به‌عنوان یکی از راه حل‌های رفع مشکل مالی کشاورزان دانسته و ۵ درصد در توسعه فعالیت‌های کشاورزی این نواحی تأثیر داشته است؛ ندری (۱۳۸۹)، تأثیر اعتبارات و پرداخت‌های مالی کشاورزی بر عملکرد واحد سطح محصولات کشاورزی و بهبود سطح زندگی روستاییان شهرستان سلسله را خوب توصیف کرد و آن را به‌عنوان راهکاری در جهت نیل به توسعهٔ روستایی بر شمرد؛ بریمانی و همکاران (۱۳۹۱)، در بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی دهستان لکستان شهرستان سلماس به این نتیجه رسیدند که اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر بوده است. برای مثال گروهی از زنان که وام گرفته بودند نسبت به گروهی که وام دریافت نکرده بودند از لحاظ اقتصادی توانمندتر شده و از نظر روانی و اعتماد به نفس نیز در وضعیت بهتری قرار داشتند؛ عزیزی و مهرابی بشرآبادی (۱۳۹۳)، تأثیر تسهیلات پرداختی بانک کشاورزی بر رشد زیربخش‌های کشاورزی اعم از زراعت و باغبانی، دامپروری و شیلات را مثبت و کاملاً معنی‌دار دانستند. به طوری که بر اساس نتایج، تسهیلات پرداختی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر زیربخش‌های شیلات، زراعت، باغبانی و نهایتاً بر دامپروری داشته است؛ عزیزپور و خداکرمی (۱۳۹۴)، در بررسی اثرات اجتماعی ـ اقتصادی اعتبارات خرد کشاورزی در نواحی روستایی دهستان کرسف دریافتند که اعتبارات خرد کشاورزی تأثیر یکسان و یکپارچه بر شاخص‌های ابعاد توسعه بویژه ابعاد اجتماعی ـ اقتصادی ندارد و سازوکار اجرایی اعطای اعتبارات خرد کشاورزی متأثر از رویکرد سنتی (رشد اقتصادی) از کارآمدی لازم برخوردار نیست. در این ساختار، مدیریت متمرکز (از بالا به پایین) و روابط رسمی و قانونی سبب شده تا منابع مالی، ماهیتی محلی و متکی بر پس اندازهای خرد مردم نبوده و از پایداری برخوردار نباشد؛ عینالی و سهرابی وفا (۱۳۹۵)، نقش اعتبارات خرد گروهی در توسعهٔ کشاورزی با تأکید بر یکپارچه‌سازی اراضی را در نواحی روستایی دهستان خرارود شهرستان خدابنده مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که استفاده از اعتبارات خرد کشاورزی به صورت گروهی به کاهش تعداد قطعات اراضی هر یک از کشاورزان منجر شده است و باعث بهبود شیوه‌های مدیریت مزرعه و تغییر در الگوهای کشت مزارع شده است؛ بارانی و همکاران (۱۳۹۵)، نقش تسهیلات بانک کشاورزی را بر متغیرهای تولید، سودآوری، معیشت زندگی و بهبود وضعیت زندگی مثبت و معنی دار ارزیابی کردند؛ جوانشیری و همکاران (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی نقش اعتبارات خرد در توسعهٔ روستایی نواحی کوهستانی و دشتی دهستان‌های کارده و میان ولایت شهرستان مشهد نشان داد که در دو دوره زمانی قبل و بعد از استفاده از این اعتبارات در روستاها تفاوت تغییرات قابل توجهی در کلیه محورهای اقتصادی ایجاد شده است و این تغییرات از دیدگاه استفاده کنندگان کاملاً معنی‌دار است؛ عبدلله‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، در بررسی اثربخشی اعتبارات بر توسعه کسب و کارهای دامپروری در بخش جعفرآباد استان قم، پنج مؤلفه را ارزیابی کردند. نتایج مطالعات آنها نشان داد که میزان اثربخشی اعتبارات در دو مؤلفه اول یعنی "افزایش درآمد و تولید" و "مدیریت بهتر ضایعات و بهداشت دام" اثربخشی مطلوب نبوده است. اما در سه مؤلفه بعدی یعنی "ارتقاء کیفیت زندگی فردی و روستایی"، "بهبود انگیزش و رضایت شغلی دامداران" و "توسعه فیزیکی دامداری" و همچنین کلّیت شاخص اثربخشی وضعیت مطلوب بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

۳) روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، جزو تحقیقات "کاربردی" و از نظر ماهیت و روش، "توصیفی ـ تحلیلی" است بدین ترتیب که در بررسی و شناخت وضع موجود نواحی روستایی شهرستان ماسال از روش توصیفی استفاده شده است. به طوری که در این توصیفات به شناسایی میزان بازدهی و توان اراضی کشاورزی و وضع کمّی و کیفی نهاده‌های بخش کشاورزی روستاهای ماسال پرداخته شد. در جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز تحقیق از روش‌های کتابخانه‌ای و بازدیدهای میدانی (مشاهده، مصاحبه و تکمیل پرسشنامه) استفاده شد. در مرحله بعد این یافته‌های توصیفی برای تجزیه و تحلیل نقش اعتبارات مالی در ایجاد تحولات کشاورزی با استفاده از روش تحلیلی آماری، مورد ارزیابی قرار گرفت. مؤلفه‌های تحقیق عبارتند از:

- مدت انتظار دریافت وام و اعتبارات مالی
- تأمین هزینه‌های خرید تجهیزات کشاورزی
- تأمین هزینه‌های راه اندازی و تجهیز دامداری
- تهیه نهاده‌های کشاورزی
- افزایش توان اراضی کشاورزی
- روی آوردن به شیوه‌های کشت نوین
- افزایش ماشین‌آلات کشاورزی
- افزایش سطح زیر کشت و میزان تولید محصولات زراعی و باغی

بر این اساس می توان مدل مفهومی پژوهش را در شکل (۱) نشان داد.

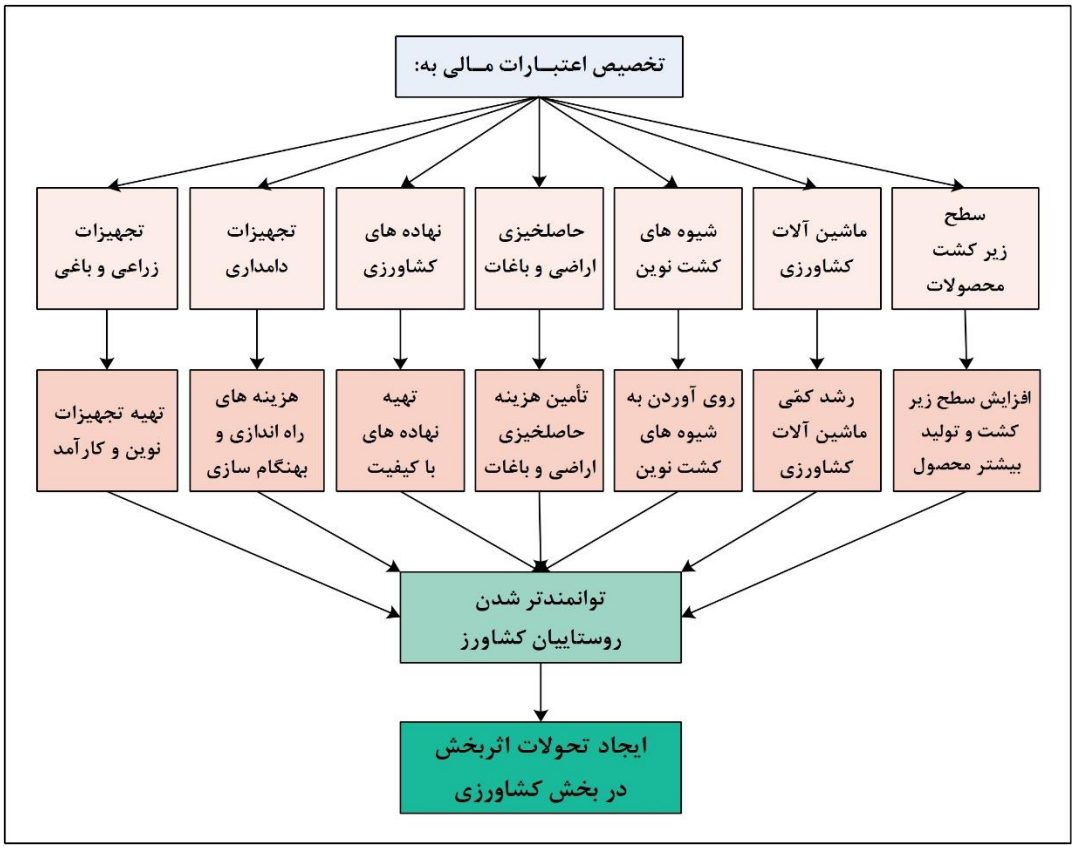

شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

جامعهٔ آماری پژوهش را روستاییان ساکن در نقاط روستایی شهرستان ماسال تشکیل می‌دهد. ماسال بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، دارای ۹۴ آبادی دارای سکنه و ۱۴ آبادی خالی از سکنه با ۹۳۸۰ خانوار و ۲۹۰۱۹ نفر جمعیت است که ۵۵/۱ درصد از کل جمعیت شهرستان ماسال را شامل می‌شود. پس از انتخاب ۱۵ روستای نمونه، تعداد خانوارهای روستایی آنها از نتایج سرشماری‌های مرکز آمار ایران استخراج شد که مجموع آن برابر با ۲۴۰۶ خانوار تعیین شد. سپس از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شد و سرانجام به تعداد ۳۳۱ خانوار برای تکمیل پرسشنامه مشخص شد. با توجه به شرایط توپوگرافیکی این شهرستان که دارای سه وضعیت جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی است، توزیع و پراکنش نقاط روستایی و جمعیت ساکن در آن و تعداد خدمات مستقر در این واحدهای توپوگرافیکی با یکدیگر متفاوت است؛ بر این اساس واحدهای توپوگرافیکی را مبنای انتخاب روستاهای نمونه قرار داده و از هر یک از این واحدها، روستاهایی به طور تصادفی سیستماتیک انتخاب گردید. لازم به ذکر است که در نحوه انتخاب روستاهای نمونه به تعداد جمعیت و خانوار روستا توجه شده است.

شهرستان ماسال که در غرب استان گیلان واقع شده و با ۶۳۳ کیلومتر مربع مساحت از شمال به شهرستان رضوانشهر، از جنوب و شرق به شهرستان‌های صومعه‌سرا و فومن و از غرب به استان اردبیل محدود شده است. درصد قابل توجهی از مساحت این شهرستان به نواحی کوهستانی اختصاص یافته است؛ این وضعیت که محدودیت‌هایی از قبیل شیب زیاد، اقلیم سرد، عمق محدود خاک و سنگلاخی بودن زمین را به وجود آورده است باعث شده تا زیرساخت‌ها و امکانات زیربنایی و روبنایی در نواحی مرتفع شهرستان ماسال با محدودیت مواجه شده و لذا توزیع سکونتگاه‌های روستایی و استقرار جمعیت در آن عمدتاً در نواحی جلگه‌ای تحقق یابد. اصلی‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی شهرستان به بخش کشاورزی یعنی زراعت، باغداری و دامداری اختصاص یافته است اما به مدد وجود جاذبه‌های طبیعی و انسانی متنوع و با کیفیت در جای جای آن، فعالیت‌های گردشگری دارای اهمیت بوده و به‌عنوان بخش مکمل اقتصاد این شهرستان شناخته می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

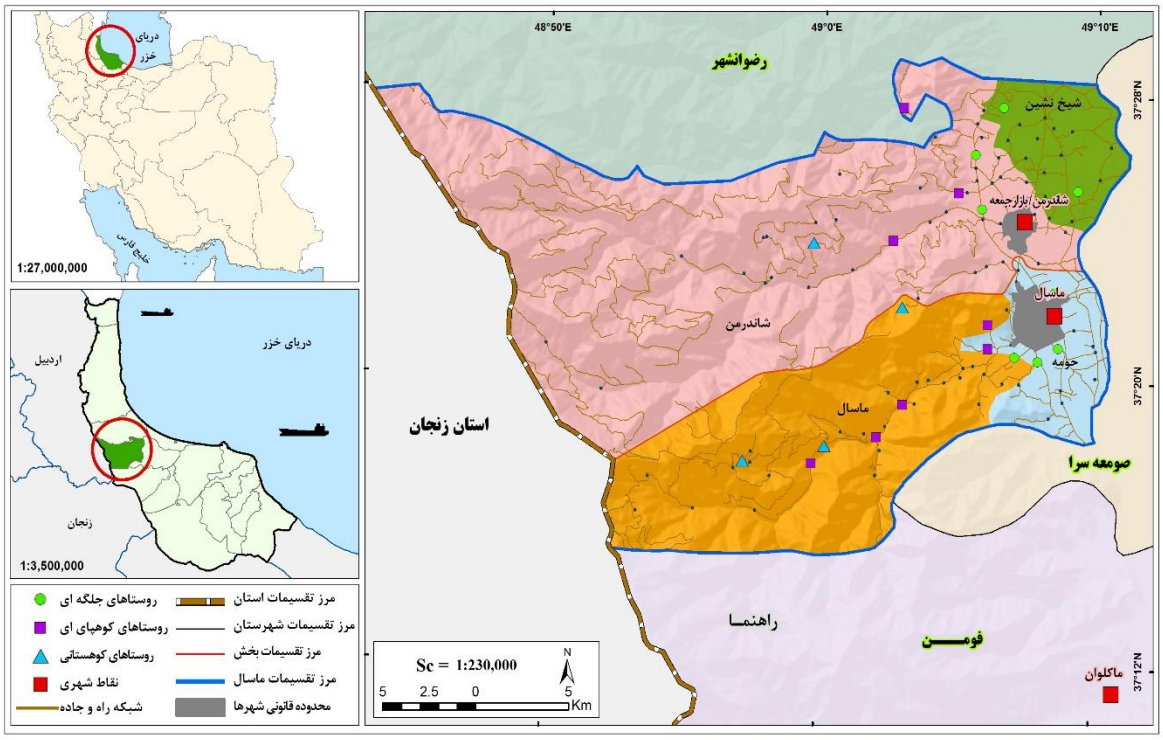

شکل ۲. نقشه موقعیت شهرستان ماسال در تقسیمات کشوری همراه با موقعیت روستاهای نمونه

۴) یافته‌های تحقیق

رتبه‌بندی روستاها براساس میزان اعتبارات مالی دریافت شده

بر اساس نتایج بدست آمده در جدول (۱)، در طی ۱۰ سال آماری مورد مطالعه، ۱۱۱۸ پرونده دریافت وام و اعتبارات مالی به ثبت رسیده است که در ۱۱ گروه مختلف پرداخت شده است. در این میان روستای وشمه سرا بیشترین متقاضیان دریافت وام را داشته است که ۱۹/۲ درصد از منابع پرداخت شده به روستاییان را شامل شده است. روستای چاله‌سرا با قرار گرفته در جایگاه دوم رتبه‌بندی روستاهای مورد مطالعه، ۱۲/۹ درصد از اعتبارات مالی را به خود اختصاص داده است. روستای اسطلخ زیر با قرار گرفتن در جایگاه سوم ۱۱/۵ درصد از اعتبارات مالی را به خود اختصاص دادند. از طرفی هم روستاهای دول کوه و ماسوله خانی در رتبه‌های پایانی قرار گرفتند و کمترین تعداد تقاضای دریافت وام در این روستاها به ثبت رسیده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

جدول ۱. رتبه‌بندی روستاهای مورد مطالعه براساس میزان اعتبارات مالی دریافت شده (۹۵ – ۱۳۸۵)

نام روستا	تعداد وام (فقره)	درصد فراوانی	میزان وام (درصد)	رتبه	نام روستا	تعداد وام (فقره)	درصد فراوانی	میزان وام (درصد)	رتبه
وشمه سرا	۲۰۴	۱۸/۳	۱۹/۲	۱	درخانه	۵۶	۵/۰	۴/۷	۹
چاله سرا	۱۳۵	۱۲/۱	۱۲/۹	۲	مرکیه	۴۸	۴/۳	۴/۲	۱۰
اسطلخ زیر	۱۳۲	۱۱/۸	۱۱/۵	۳	ملک جهان	۴۲	۳/۸	۳/۳	۱۱
اسب ریسه	۱۳۲	۱۱/۸	۱۱/۴	۴	کنذر	۴۱	۳/۷	۳/۲	۱۲
خودبچر	۱۰۹	۹/۸	۹/۹	۵	شالما	۲۰	۱/۸	۱/۸	۱۳
مهدیخان محله	۷۱	۶/۴	۶/۳	۶	دول کوه	۹	۰/۸	۰/۶	۱۴
وزمتر	۵۶	۵/۰	۵/۵	۷	ماسوله خانی	۵	۰/۵	۰/۵	۱۵
امامزاده شفیع	۵۸	۵/۲	۴/۹	۸	**جمـــع**	**۱۱۱۸**	**۱۰۰**	**۱۰۰**	–

منبع: سرپرستی بانک‌های استان گیلان (۱۳۹۶)، سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان (۱۳۹۷) و محاسبات نگارنده

مدت انتظار دریافت اعتبارات مالی روستایی

یکی از مسائلی که می‌تواند روستاییان را به دریافت اعتبارات روستایی تشویق کند و یا از رغبت آنها بکاهد، مدت زمان انتظار برای دریافت وام و اعتبارات است. برخی پاسخگویان مدت زمان انتظارشان برای دریافت وام را مناسب و برخی دیگر خیلی طولانی توصیف کردند. اما بررسی نتایج بدست آمده از پرسشنامه نشان داد که اغلب پاسخگویان با فراوانی ۴۴/۱ درصد این مدت زمان انتظار را بین ۶ تا ۱۲ ماه اذعان کردند. علاوه بر این ۲۹/۹ درصد از پاسخگویان مدت انتظارشان را برای دریافت وام و اعتبارات روستایی، بین ۱۲ تا ۱۸ ماه عنوان کردند که به نظر می‌رسد این مدت انتظار خیلی زیاد باشد. البته در مصاحبه‌های حضوری مشخص شد که هرچقدر مبلغ وام کمتر باشد، مدت زمان انتظار دریافت وام هم کمتر است.

جدول ۲. مدت انتظار دریافت وام و اعتبارات مالی در نواحی روستایی

مدت زمان انتظار	کمتر از ۶ ماه	بین ۶ تا ۱۲ ماه	بین ۱۲ تا ۱۸ ماه	بیشتر از ۱۸ ماه	جمع کل
تعداد فراوانی	۷۳	۱۴۶	۹۹	۱۳	۳۳۱
درصد فراوانی	۲۲/۱	۴۴/۱	۲۹/۹	۳/۹	۱۰۰

منبع: یافته‌های میدانی محقق، ۱۳۹۷

تأمین هزینه‌های خرید تجهیزات و ماشین‌آلات کشاورزی

کل اعتبارات پرداخت شده به روستاهای مورد مطالعه برای تأمین هزینه‌های خرید تجهیزات و ماشین‌آلات کشاورزی در طی ۱۰ سال، بیست و نه میلیارد و چهارصد و بیست میلیون ریال است که این مبلغ ۲۲/۷ درصد از کل اعتبارات مالی روستایی را در طی این مدت به خود اختصاص داده است. در طی این مدت، ۱۹۹ پرونده متقاضی دریافت وام خرید تجهیزات و ماشین‌آلات کشاورزی به ثبت رسیده که بیشترین تعداد آن در روستای وشمه سرا با ۳۶ پرونده دریافت وام بوده است که این تعداد ۱۸/۴ درصد از کل اعتبارات را در بخش خرید تجهیزات و ماشین‌آلات کشاورزی نشان می‌دهد. بعد از آن روستاهای اسطلخ زیر با ۲۵ پرونده و روستاهای چاله سرا و اسب ریسه با ۲۳ پرونده در رتبه‌های دوم و سوم دریافت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

وام قرار گرفتند. علاوه بر این در روستاهای شالما و ماسوله خانی، کمترین تعداد پرونده دریافت وام خرید تجهیزات کشاورزی به ثبت رسیده است. به طور میانگین به ازای هر ۱۰۰ خانوار به تعداد ۹/۳ فقره وام برای تأمین هزینه‌های خرید تجهیزات و ماشین‌آلات کشاورزی دریافت شده است. علاوه بر این متوسط مبلغ وام‌های دریافتی در بین خانوارهایی که از این اعتبارات استفاده کردند برابر با ۱۴۸ میلیون ریال بوده است (جدول ۳).

جدول ۳. اعتبارات مالی دریافت شده برای تأمین هزینه‌های خرید تجهیزات کشاورزی (۹۵ - ۱۳۸۵)

نام روستا	تعداد اعتبارات دریافت شده	تعداد وام به ازای هر یکصد خانوار	درصد اعتبارات تخصیص یافته	نام روستا	تعداد اعتبارات دریافت شده	تعداد وام به ازای هر یکصد خانوار	درصد اعتبارات تخصیص یافته
چاله سرا	۲۳	۹/۱	۱۱/۸	امامزاده شفیع	۱۰	۸/۹	۵/۳
وزمتر	۹	۸/۹	۴/۸	اسب ریسه	۲۳	۹/۲	۱۱/۸
اسطلخ زیر	۲۵	۹/۴	۱۲/۶	شالما	۴	۸/۹	۲/۲
ملک جهان	۸	۹/۴	۴/۰	کنذر	۸	۹/۶	۳/۹
وشمه سرا	۳۷	۹/۴	۱۸/۴	مرکیه	۹	۹/۶	۴/۴
خودبچر	۱۹	۹/۴	۹/۵	ماسوله خانی	۲	۹/۱	۰/۷
درخانه	۱۰	۹/۷	۴/۸	**جمـــع**	**۱۹۹**	**۹/۳**	**۱۰۰**
مهدیخان محله	۱۲	۹/۵	۶/۰	–	–	–	–

منبع: سرپرستی بانک‌های استان گیلان، ۱۳۹۶ و سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان، ۱۳۹۷

تأمین هزینه‌های راه اندازی و تجهیز دامداری

کل مبلغ اعتبارات پرداخت شده به روستاهای مورد مطالعه برای تأمین هزینه‌های راه اندازی و تجهیز دامداری گاو گوشتی و شیری در طی ۱۰ سال، هفده میلیارد و پانصد و بیست میلیون ریال است که این مبلغ ۱۳/۵ درصد از کل اعتبارات مالی روستایی را در طی این مدت به خود اختصاص داده است. از طرفی مشاهده نتایج مندرج در جدول (۴) نشان می‌دهد که در طی این مدت، ۷۳ پرونده متقاضی دریافت وام خرید تجهیزات دامداری و یا توسعه فعالیت‌های دامداری به ثبت رسیده است که بیشترین تعداد آن در روستای وشمه سرا با ۱۵ پرونده دریافت وام بوده است که ۲۰/۷ درصد از میزان کل اعتبارات را در بخش خرید تجهیزات دامداری تشکیل داده است. بعد از آن روستاهای چاله سرا و اسب ریسه هر یک با ۹ پرونده در رتبه دوم و روستای خودبچر با ۸ پرونده در رتبه سوم دریافت وام قرار گرفتند. علاوه بر این در روستای شالما کمترین تعداد پرونده دریافت وام خرید تجهیزات دامداری به ثبت رسیده و در روستای دول کوه نیز در طی مدت آماری مورد مطالعه، هیچ وامی در زمینه تجهیزات دامداری به ثبت نرسیده است. به طور میانگین به ازای هر ۱۰۰ خانوار به تعداد ۳/۵ فقره وام برای تأمین هزینه‌های راه اندازی و تجهیزات دامداری دریافت شده است. علاوه بر این متوسط مبلغ وام‌های دریافتی در بین خانوارهایی که از این اعتبارات استفاده کردند برابر با ۲۴۰ میلیون ریال بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

جدول ۴. اعتبارات مالی دریافت شده برای تأمین هزینه‌های راه اندازی و تجهیز دامداری (۹۵ - ۱۳۸۵)

نام روستا	تعداد اعتبارات دریافت شده	تعداد وام به ازای هر یکصد خانوار	درصد اعتبارات تخصیص یافته	نام روستا	تعداد اعتبارات دریافت شده	تعداد وام به ازای هر یکصد خانوار	درصد اعتبارات تخصیص یافته
چاله سرا	۹	۳/۶	۱۳/۲	امامزاده شفیع	۴	۳/۵	۶/۰
وزمتر	۴	۴/۰	۵/۳	اسب ریسه	۹	۳/۶	۱۳/۱
اسطلخ زیر	۳	۱/۱	۳/۱	دول کوه	۰	۰	۰
ملک جهان	۳	۳/۵	۴/۵	شالما	۲	۴/۴	۲/۳
وشمه سرا	۱۵	۳/۸	۲۰/۷	کنذر	۳	۳/۶	۴/۳
خودبچر	۸	۴/۰	۱۰/۶	مرکیه	۴	۴/۳	۴/۹
درخانه	۴	۳/۹	۵/۴	**جمع**	**۷۳**	**۳/۵**	**۱۰۰**
مهدیخان محله	۵	۴/۰	۶/۶	-	-	-	-

منبع: سرپرستی بانک‌های استان گیلان، ۱۳۹۶ و سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان، ۱۳۹۷

تأمین هزینه برای تهیه نهاده‌های بخش کشاورزی

افزایش میزان تولیدات در بخش کشاورزی به نهاده‌های باکیفیت وابسته است. برای مثال تولید، تهیه و توزیع بذر و نهال اصلاح شده و استفاده به موقع و به اندازه از کودهایی شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی، همگی در افزایش تولیدات باکیفیت تأثیرگذارند. اما تأمین هزینه تهیه این نهاده‌ها از مراکز دولتی همواره با مشکلات متعددی روبرو بوده است که از جمله مهمترین این مشکلات را می‌توان به مدت انتظار بسیار زیاد، سهمیه‌بندی و دریافت نهاده‌های کم و ناچیز که باعث می‌شود کشاورزان برای تأمین باقیمانده نهاده‌های مورد نیاز به مراکز غیردولتی و اصطلاحاً بازار آزاد مراجعه کنند. اما قیمت این نهاده‌ها در بازار آزاد معمولاً فراتر از توان مالی کشاورز بوده و بدون حمایت مالی قادر به تهیه آنها نیست.

بر اساس آمارهای دریافت شده از مراکز معتبر که نتایج آن در جدول (۵) آمده است، کل اعتبارات پرداخت شده به روستاهای مورد مطالعه برای تأمین نهاده‌های کشاورزی در طی ۱۰ سال آماری، برابر با پانزده میلیارد و سیصد و نود میلیون ریال بوده است که این مبلغ ۱۱/۹ درصد از کل اعتبارات مالی روستایی را در طی این مدت به خود اختصاص داده است. از طرفی مشاهده نتایج مندرج در جدول (۵) نشان می‌دهد که در طی این مدت، ۱۹۳ پرونده متقاضی دریافت وام تهیه نهاده‌های کشاورزی به ثبت رسیده است که بیشترین تعداد آن در روستای وشمه سرا با ۳۶ پرونده دریافت وام بوده است که ۱۸/۵ درصد از میزان کل اعتبارات را تشکیل داده است. بعد از آن روستای روستای اسطلخ زیر با ۲۴ پرونده در رتبه دوم و روستای چاله سرا با ۲۳ پرونده در رتبه سوم دریافت وام قرار گرفتند. علاوه بر این در روستای دول کوه با ۳ پرونده کمترین تعداد پرونده دریافت وام در این زمینه به ثبت رسیده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

جدول ۵. اعتبارات مالی دریافت شده برای تهیه نهاده‌های بخش کشاورزی (۹۵ - ۱۳۸۵)

نام روستا	تعداد اعتبارات دریافت شده	تعداد وام به ازای هر یکصد خانوار	درصد اعتبارات تخصیص یافته	نام روستا	تعداد اعتبارات دریافت شده	تعداد وام به ازای هر یکصد خانوار	درصد اعتبارات تخصیص یافته
چاله سرا	۲۳	۹/۱	۱۱/۸	امامزاده شفیع	۱۰	۸/۹	۵/۳
وزمتر	۹	۸/۹	۴/۷	اسب ریسه	۲۳	۹/۲	۱۱/۷
اسطلخ زیر	۲۴	۹/۰	۱۲/۵	دول کوه	۳	۱۰/۷	۱/۳
ملک جهان	۸	۹/۴	۴/۰	شالما	۴	۸/۹	۲/۱
وشمه سرا	۳۶	۹/۱	۱۸/۵	کنذر	۷	۸/۴	۳/۹
خودبچر	۱۸	۸/۹	۹/۴	مرکیه	۸	۸/۵	۴/۴
درخانه	۹	۸/۷	۴/۸	**جمـــع**	**۱۹۳**	**۹**	**۱۰۰**
مهدیخان محله	۱۱	۸/۷	۵/۹	–	–	–	–

منبع: سرپرستی بانک‌های استان گیلان، ۱۳۹۶ و سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان، ۱۳۹۷

بر اساس شاخص محاسبه شده "تعداد وام به ازای هر یکصد خانوار روستایی" در این جدول، به طور میانگین به ازای هر ۱۰۰ خانوار به تعداد ۹ فقره وام برای تهیه نهاده‌های بخش کشاورزی دریافت شده است. علاوه بر این متوسط مبلغ وام‌های دریافتی در بین خانوارهایی که از این اعتبارات استفاده کردند برابر با ۸۰ میلیون ریال بوده است.

تأمین هزینه‌های افزایش حاصلخیزی مزارع و باغات

کل اعتبارات پرداخت شده به روستاهای مورد مطالعه برای تأمین هزینه‌های افزایش حاصخلیزی مزارع و باغات در طی ۱۰ سال آماری، برابر با بیست و دو میلیارد و هفتاد میلیون ریال بوده است که این مبلغ ۱۷ درصد از کل اعتبارات مالی روستایی را در طی این مدت به خود اختصاص داده است. به عبارتی در بین ۱۱ فعالیت گوناگونی که برایشان تقاضای دریافت وام و اعتبارات مالی به ثبت رسیده است، حجم اعتبارات پرداخت شده برای افزایش حاصلخیزی اراضی در رتبه دوم قرار گرفته است. بررسی نتایج مندرج در جدول (۶) نشان می‌دهد که در طی این مدت ۱۰ ساله، ۱۱۵ پرونده متقاضی دریافت وام برای افزایش حاصلخیزی اراضی کشاورزی به ثبت رسیده است که بیشترین تعداد آن در روستای وشمه سرا با ۲۱ پرونده دریافت وام بوده است که ۲۴ درصد از میزان کل اعتبارات را تشکیل داده است. بعد از آن روستاهای اسطلخ زیر و وشمه سرا هر یک با ۱۴ پرونده در رتبه دوم و روستای خودبچر با ۱۱ پرونده در رتبه سوم دریافت وام قرار گرفتند. همچنین در روستاهای شالما و دول کوه هر یک با ۲ پرونده کمترین تعداد پرونده دریافت وام به ثبت رسیده است. بر اساس شاخص محاسبه شده "تعداد وام به ازای هر یکصد خانوار روستایی" در این جدول، به طور میانگین به ازای هر ۱۰۰ خانوار به تعداد ۵/۴ فقره وام برای تأمین هزینه‌های افزایش حاصلخیزی مزارع و باغات دریافت شده است. علاوه بر این متوسط مبلغ وام‌های دریافتی در بین خانوارهایی که از این اعتبارات استفاده کردند برابر با ۱۹۲ میلیون ریال بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

جدول ۶. اعتبارات مالی دریافت شده برای تأمین هزینه‌های حاصلخیزی مزارع و باغات (۹۵ - ۱۳۸۵)

نام روستا	تعداد اعتبارات دریافت شده	تعداد وام به ازای هر یکصد خانوار	درصد اعتبارات تخصیص یافته	نام روستا	تعداد اعتبارات دریافت شده	تعداد وام به ازای هر یکصد خانوار	درصد اعتبارات تخصیص یافته
چاله سرا	۱۴	۵/۶	۱۳/۵	امامزاده شفیع	۶	۵/۳	۴/۳
وزمتر	۵	۵/۰	۵/۰	اسب ریسه	۱۳	۵/۲	۹/۱
اسطلخ زیر	۱۴	۵/۲	۱۴/۱	دول کوه	۲	۷/۱	۱/۸
ملک جهان	۵	۵/۹	۳/۶	شالما	۲	۴/۴	۱/۴
وشمه سرا	۲۱	۵/۳	۲۴/۰	کنذر	۴	۴/۸	۲/۳
خودبچر	۱۱	۵/۵	۹/۵	مرکیه	۵	۵/۳	۳/۴
درخانه	۶	۵/۸	۳/۶	**جمـــع**	**۱۱۵**	**۵/۴**	**۱۰۰**
مهدیخان محله	۷	۵/۶	۴/۵	-	-	-	-

منبع: سرپرستی بانک‌های استان گیلان، ۱۳۹۶ و سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان، ۱۳۹۷

تأثیر اعتبارات مالی بر افزایش بازدهی و توان اراضی کشاورزی

به منظور بررسی تأثیر اعتبارات مالی بر افزایش بازدهی و توان اراضی کشاورزی گویه‌هایی در پرسشنامه محقق ساخته تنظیم شد که در ادامه به تجزیه و تحلیل هر یک از آنها پرداخته شده است.

مهم‌ترین فعالیت‌های انجام شده در زمینه افزایش توان اراضی کشاورزی

شمار پاسخگویانی که از اعتبارات مالی دریافت شده در بخش کشاورزی روستاهای ماسال استفاده کرده‌اند، در حدود ۶۳ درصد (۲۰۹ نفر) بوده است و سایر افراد پاسخگو این مبالغ دریافت شده را در زمینه‌های دیگر استفاده نمودند که در گویه‌های قبلی به تشریح آنها پرداخته شده است. بر اساس نتایج بدست آمده از نظرسنجی‌ها، مهم‌ترین فعالیت‌هایی که روستاییان ماسالی برای افزایش توان اراضی کشاورزی خود از طریق دریافت اعتبارات مالی انجام دادند شامل مواردی از قبیل ۱) استفاده از ماشین‌آلات و ابزارآلات جدید برای شخم زدن زمین‌های کشاورزی؛ ۲) خرید تجهیزات آبیاری نظیر پمپ آب؛ ۳) تصحیح اراضی کشاورزی و باغات؛ ۴) خرید بذرهای اصلاح شده و مقاوم به تنش‌های کم آبی و بازدهی بیشتر محصول؛ ۵) تهیه کودهای شیمیایی و استفاده از روش‌های بیولوژیک زیست محیطی برای مبارزه با آفات، بیماری‌ها و علف‌های هرز بوده است.

جدول ۷. استفاده از اعتبارات مالی روستایی در زمینه افزایش توان اراضی کشاورزی

مصـــارف	تعداد فراوانی	درصد فراوانی*
ماشین‌آلات و ابزارآلات جدید شخم‌زنی	۴۳	۱۳
تجهیزات آبیاری	۵۳	۱۶
تصحیح اراضی کشاورزی و باغات	۴۰	۱۲
بذرهای اصلاح شده و پربازده	۳۳	۱۰
مبارزه با آفات، بیماری‌ها و علف‌های هرز	۴۰	۱۲
جمـــع	**۲۰۹**	**۶۳**

* درصد فراوانی از مجموع کل پاسخگویان که به تعداد ۳۳۱ نفر است بدست آمده است

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

تأثیر اعتبارات مالی در روی آوردن به شیوه‌های کشت نوین

در مصاحبه‌های انجام شده با روستاییانی که در طی سال‌های گذشته برای یک یا چند بار از وام و اعتبارات مالی استفاده کردند این موضوع مشخص شد که به دلیل کم بودن مبلغ وام، بسیاری از آنها نتوانستند آن طور که انتظار می‌رفت برای ایجاد شیوه‌های نوین کشت در زمین‌های کشاورزی‌شان، اقدامات خاصی را انجام دهند که گویای حرکت کردن به سمت شیوه‌های کشت نوین کشاورزی باشد که بازدهی و توان اراضی را افزایش دهد. زیرا برای راه‌اندازی این شیوه کشت در اراضی کشاورزی که عمدتاً به شیوه کشت سنتی و خانوادگی هدایت می‌شوند به منابع مالی قابل توجهی نیازمند است. از طرفی هم تهیه وام‌های کلان از عهده روستاییان کم بضاعت بر نمی‌آید. اگرچه آنها با همان مبلغ کم توانستند اقداماتی در این زمینه انجام دهند؛ برای مثال ۱) استفاده از ماشین‌آلات برای اموری از قبیل کشت مکانیزه، دستگاه شخم زمین، دستگاه سمپاش، دستگاه وجین کن، برداشت ماشینی محصول، ۲) استفاده از سیستم‌های آبیاری نوین (قطره‌ای، بارانی و تحت فشار).

از بین ۲۰۹ پاسخگویی که در زمینه فعالیت‌های بخش کشاورزی اقدام به دریافت وام و اعتبارات مالی کردند و ۶۳ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل می‌دادند، بیشتر پاسخگویان با فراوانی ۳۷/۸ درصد اذعان داشتند که نقش این اعتبارات در هدایت روستاییان به سمت شیوه‌های نوین کشت، در حد متوسط بوده است.

جدول ۸. تأثیر اعتبارات مالی در روی آوردن روستاییان به شیوه‌های کشت نوین

مقیاس		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع*
فراوانی	تعداد	۳۵	۵۰	۷۹	۲۲	۲۳	۲۰۹
	درصد	۱۶/۷	۲۳/۹	۳۷/۸	۱۰/۵	۱۱/۰	۱۰۰

* این تعداد فقط شامل افرادی است که از اعتبارات دریافت شده در بخش کشاورزی استفاده کرده‌اند.

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

سهم اعتبارات مالی در تهیه ادوات و ابزارآلات پیشرفته کشاورزی

بسیاری از ادوات و ابزارآلات پیشرفته بخش کشاورزی به دلیل وارداتی بودن‌شان و تحت تأثیر قیمت ارز قرار گرفتن، دائماً با افزایش قیمت مواجه شده و تهیه کردن آنها برای اغلب روستاییان کار راحتی نیست و مبالغ ناچیز وام و اعتبارات مالی خرد نیز براحتی جوابگوی تهیه این ادوات نیست. براساس نظرسنجی‌های بدست آمده در حدود ۱۳ درصد از روستاییانی که اعتبارات مالی دریافت شده را در بخش کشاورزی هزینه کردند، بخشی از این اعتبارات را برای تهیه ادوات و ابزارآلات پیشرفته کشاورزی استفاده نمودند.

نتایج آمارهای بدست آمده از رشد کمّی ماشین آلات بخش کشاورزی در نواحی روستایی ماسال برای سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۳ نشان می‌دهد که حداقل در مورد سه نوع از این تجهیزات نظیر تراکتور، کمباین و تیلر که در آمارهای سرشماری کشاورزی مورد توجه قرار مرکز آمار ایران بوده است، رشد بسیار خوبی شاهد هستیم. برای مثال تعداد تراکتورهای مورد استفاده کشاورزان ماسالی از رقم ۲۴ دستگاه در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

سال ۱۳۸۲ به رقم ۱۳۱ دستگاه در سال ۱۳۹۳ رسیده است که رشد ۸۱/۷ درصدی را نشان می‌دهد. تعداد کمباین‌های مورد استفاده کشاورزان ماسالی از رقم ۶ دستگاه در سال ۱۳۸۲ به رقم ۱۰۰ دستگاه در سال ۱۳۹۳ رسیده است که رشد ۹۴ درصدی را نشان می‌دهد. سرانجام تعداد تیلرهای مورد استفاده کشاورزان ماسالی از رقم ۱۰۳۲ دستگاه در سال ۱۳۸۲ به رقم ۱۱۷۰ دستگاه در سال ۱۳۹۳ رسیده است که رشد ۱۱/۸ درصدی را نشان می‌دهد. مطمئناً این رشد چشمگیر در افزایش تعداد ماشین آلات کشاورزی که موجب افزایش تولید محصول و کاهش هزینه‌های جاری تولید می‌شود، بدون استفاده از اعتبارات مالی امکان‌پذیر نبوده است.

جدول ۹. مقایسه رشد کمّی سه نوع از ماشین‌آلات کشاورزی در نواحی روستایی ماسال

دهستان	تعداد تراکتور			تعداد کمباین			تعداد تیلر		
	۱۳۸۲	۱۳۹۳	درصد رشد	۱۳۸۲	۱۳۹۳	درصد رشد	۱۳۸۲	۱۳۹۳	درصد رشد
دهستان شاندرمن	۱۰	۵۸	۸۲/۸	۰	۴۴	۱۰۰	۲۳۲	۲۸۷	۱۹/۲
دهستان شیخ نشین	۱۰	۴۰	۷۵/۰	۵	۲۷	۸۱/۵	۴۵۲	۵۰۱	۹/۸
دهستان حومه	۲	۳۰	۹۳/۳	۰	۲۷	۱۰۰	۲۵۹	۲۹۶	۱۲/۵
دهستان ماسال	۲	۳	۳۳/۳	۱	۲	۵۰	۸۹	۸۶	- ۳/۵
جمــع کل	**۲۴**	**۱۳۱**	**۸۱/۷**	**۶**	**۱۰۰**	**۹۴**	**۱۰۳۲**	**۱۱۷۰**	**۱۱/۸**

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری کشاورزی استان گیلان، ۹۳ – ۱۳۸۲

سهم اعتبارات مالی در افزایش تولیدات کشاورزی

یکی از اهداف اصلی تخصیص اعتبارات مالی به روستاییان، افزایش تولیدات کشاورزی است. البته این هدف زمانی تحقق خواهد یافت که همه اعتبارات دریافت شده برای افزایش توان اراضی و تولید بیشتر محصول هزینه شود. اما این امر به راحتی تحقق نمی‌یابد؛ چون از یک طرف میزان اعتبارات دریافتی در حدی نیست که بتواند تحول عظیمی ایجاد کند و از طرف دیگر هم معمولاً روستاییان بخشی از اعتبارات دریافت شده را در زمینه‌های دیگر هزینه می‌کنند که در نهایت سبب ناکارآمدی اعتبارات در زمینه افزایش تولیدات خواهد شد.

برای بررسی میزان تولید انواع محصولات زراعی و باغی در نواحی روستایی شهرستان ماسال، اقدام به جمع آوری داده‌ها در دو مقطع زمانی یعنی سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۴ شد که نتایج بدست آمده در جداول (۱۰) و (۱۱) ارائه شده است. ارزیابی نتایج جدول (۱۰) که شامل پنج گروه اصلی محصولات زراعی از قبیل "غلات، حبوبات، سبزی و صیفی، محصولات جالیزی و نباتات علوفه‌ای" است نشان می‌دهد که مجموع سطح زیر کشت این محصولات زراعی آبی از رقم ۶۲۹۰ هکتار در سال ۱۳۸۶ به رقم ۷ هزار هکتار در سال ۱۳۹۴ رسیده است که یک افزایش ۱۰/۱۴ درصدی را نشان می‌دهد و در همین مدت مشابه، میزان کل تولیدات زراعی آبی نیز از ۲۱۵۵۰ تن به ۳۴۵۳۸ تن رسیده که یک افزایش ۳۷/۶۰ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین مجموع سطح زیر کشت محصولات زراعی دیم از رقم ۸۳۸ هکتار در سال ۱۳۸۶ به رقم ۱۲۸۵ هکتار در سال ۱۳۹۴ رسیده است که یک افزایش ۳۴/۷۹ درصدی را نشان می‌دهد و در همین مدت مشابه، میزان کل تولیدات زراعی دیم نیز از ۵۲۶۱ تن به ۶۸۶۱ تن رسیده که یک افزایش ۲۳/۳۱ درصدی را نشان می‌دهد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

تعدادی از پاسخگویان در مصاحبه‌های خود اذعان داشتند که با دریافت اعتبارات مالی توانستند زمین‌های کشاورزی خود را بهتر مدیریت کنند و بخشی از اراضی را که به دلیل فقر مالی قادر به کشت و زرع نبود را به زیر کشت برده و میزان تولید محصول را افزایش دهند. برخی دیگر اضافه کردند که اگر بتوانند اعتبارات بیشتری دریافت کنند، مطمئناً میزان تولید محصول را نسبت به وضع کنونی افزایش خواهند داد.

جدول ۱۰. مقایسه درصد سطح زیر کشت و میزان تولید انواع محصولات زراعی شهرستان ماسال (۱۳۸۶ و ۱۳۹۴)

گروه عمده محصولات		درصد رشد سطح زیر کشت		درصد رشد میزان تولید	
		آبی	دیم	آبی	دیم
غلات		۱۰/۱	۷۰	۳۷/۶	۴۵
حبوبات		۰	۳۵/۶	۰	۴۹/۷
سبزی و صیفی		۰	۲۲/۹	۰	۳۵/۲
محصولات جالیزی		۰	۳۴/۵	۰	۲۹/۳
نباتات علوفه‌ای		۰	۳۵/۲	۰	۱۲/۸
جمع کل	۱۳۸۶ (هکتار)	۶۲۹۰	۸۳۸	۲۱۵۵۰	۵۲۶۱
	۱۳۹۴ (تن)	۷۰۰۰	۱۲۸۵	۳۴۵۳۸	۶۸۶۱
	درصد رشد	۱۰/۱	۳۴/۸	۳۷/۶	۲۳/۳

منبع: اداره جهاد کشاورزی شهرستان ماسال، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۴

ارزیابی نتایج ارائه شده در جدول (۱۱) که شامل پنج گروه اصلی محصولات باغی است نشان می‌دهد که مجموع سطح زیر کشت محصولات باغی آبی از رقم ۱۱ هکتار در سال ۱۳۸۶ به رقم ۲۲ هکتار در سال ۱۳۹۴ رسیده است که یک افزایش ۵۰ درصدی را نشان می‌دهد و در همین مدت مشابه، میزان کل تولیدات باغی آبی نیز از ۲۸۸ تن به ۴۴۰ تن رسیده که یک افزایش ۳۴/۶ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین مجموع سطح زیر کشت محصولات باغی دیم از رقم ۳۱۶/۵ هکتار در سال ۱۳۸۶ به رقم ۴۱۳ هکتار در سال ۱۳۹۴ رسیده است که یک افزایش ۲۳/۴ درصدی را نشان می‌دهد و در همین مدت مشابه، میزان کل تولیدات باغی دیم نیز از ۲۴۷۰ تن به ۳۷۱۵/۷ تن رسیده که یک افزایش ۳۳/۵ درصدی را نشان می‌دهد. تعدادی از پاسخگویان اذعان داشتند که با دریافت اعتبارات مالی در طی سال‌های اخیر توانستند باغات میوه را بهتر مدیریت کنند و درختان کهنسال و کم ثمر را با نهال‌های پرثمر و جوان جایگزین کنند و میزان تولید محصول را افزایش دهند. تعدادی از کشاورزان اظهار کردند که اگر بتوانند اعتبارات بیشتری دریافت کنند، مطمئناً درختان آسیب دیده و کهنسال را با نهال‌های پایه کوتاه و زودبازده جایگزین می‌کنند و از این طریق میزان تولید محصول را نسبت به وضع کنونی افزایش خواهند داد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

جدول ۱۱. مقایسه سطح زیر کشت و میزان تولید انواع محصولات باغی شهرستان ماسال (۱۳۸۶ و ۱۳۹۴)

گروه عمده محصولات		درصد رشد سطح زیر کشت باغات بارور		درصد رشد میزان تولید	
		آبی	دیم	آبی	دیم
مرکبات		۰	۹/۱	۰	۲۹/۴
میوه‌های هسته دار		۰	۲۵/۵	۰	۳۰
میوه‌های دانه ریز		۰	۶۸/۸	۰	۵۸/۴
میوه‌های نیمه گرمسیری		۵۰	۲۸/۳	۳۴/۶	۳۱/۶
میوه‌های گرمسیری		۰	۳۵/۷	۰	۶۰/۱
جمع کل	۱۳۸۶ (هکتار)	۱۱	۳۱۶/۵	۲۸۸	۲۴۷۰
	۱۳۹۴ (تن)	۲۲	۴۱۳	۴۴۰	۳۷۱۵/۷
	درصد رشد	۵۰	۲۳/۴	۳۴/۶	۳۳/۵

منبع: اداره جهاد کشاورزی شهرستان ماسال، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۴

بر اساس نتایج مستخرج از پرسشنامه خلاصه آن در جدول (۱۲) آمده است مشخص شد که اغلب پاسخگویان با فراوانی ۳۳/۵ درصد، سهم اعتبارات مالی را در افزایش تولیدات کشاورزی روستاها بین ۱۰ تا ۲۰ درصد بیان نمودند. به عبارت دیگر می‌توان گفت: ۵۸/۹ درصد از پاسخگویانی که اعتبارات دریافتی را در بخش کشاورزی استفاده کردند، اثربخشی اعتبارات را کمتر از ۲۰ درصد دانسته‌اند. نیاز به تذکر است که طی مصاحبه‌هایی که با برخی از کشاورزان در روستاهایی نظیر چاله سرا، اسطلخ زیر و ملک جهان انجام شد این نتایج بدست آمد که میزان تولیدات آنها با رشد خوبی مواجه بوده است. مثلاً با انجام اقداماتی در زمینه تصحیح اراضی، خرید تجهیزات و ابزارآلات مناسب مقدار تولید در واحد سطح افزایش یافته است. اما در سایر روستاها بنابر دلایلی از قبیل کم بودن میزان اعتبارات دریافتی، افزایش چشمگیری در میزان تولیدات دیده نشده است. البته آمارهایی که نشان دهد میزان تولیدات زراعی، باغی و دامی چقدر افزایش یافته در دسترس نیست. اما خود روستاییان بر این عقیده‌اند که با دریافت اعتبارات، میزان تولیدات کشاورزی آنها افزایش داشته است.

جدول ۱۲. سهم اعتبارات مالی در افزایش تولیدات کشاورزی در روستاهای مورد مطالعه

مقیاس		تا ۱۰ درصد	بین ۱۱ تا ۲۰ درصد	بین ۲۱ تا ۳۰ درصد	بین ۳۱ تا ۴۰ درصد	۴۰ درصد و بالاتر	جمع
فراوانی	تعداد	۵۳	۷۰	۴۰	۲۶	۲۰	۲۰۹
	درصد	۲۵/۴	۳۳/۵	۱۹/۱	۱۲/۴	۹/۶	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

۵) نتیجه‌گیری

در مورد تحولات بخش کشاورزی در نواحی روستایی ماسال از طریق اعتبارات مالی، مطالعات میدانی متعددی انجام پذیرفت که خلاصه نتایج آن در زیر ارائه شده است:

۶۳ درصد (۲۰۹ نفر) از پاسخگویان از اعتبارات مالی دریافت شده در بخش کشاورزی استفاده کرده‌اند. بر اساس نتایج بدست آمده از نظرسنجی‌ها، مهم‌ترین فعالیت‌هایی که روستاییان ماسالی برای افزایش توان اراضی کشاورزی خود از طریق دریافت اعتبارات مالی انجام دادند شامل مواردی از قبیل ۱)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

استفاده از ماشین‌آلات و ابزارآلات جدید برای شخم زدن زمین‌های کشاورزی؛ ۲) خرید تجهیزات آبیاری نظیر پمپ آب؛ ۳) تصحیح اراضی کشاورزی و باغات؛ ۴) خرید بذرهای اصلاح شده و مقاوم به تنش‌های کم آبی و بازدهی بیشتر محصول؛ ۵) تهیه کودهای شیمیایی و استفاده از روش‌های بیولوژیک زیست محیطی برای مبارزه با آفات، بیماری‌ها و علف‌های هرز بوده است.

از بین ۶۳ درصد از کل پاسخگویانی که در بخش کشاورزی اقدام به دریافت وام و اعتبارات مالی کردند، ۳۷/۸ درصد آنان اذعان داشتند که نقش این اعتبارات در هدایت روستاییان به سمت شیوه‌های نوین کشت، در حد متوسط بوده است.

۳۳/۵ درصد بر این عقیده‌اند که سهم اعتبارات مالی در افزایش تولیدات کشاورزی روستاها بین ۱۱ تا ۱۹ درصد بوده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت: ۵۸/۹ درصد از پاسخگویانی که اعتبارات دریافتی را در بخش کشاورزی استفاده کردند، اثربخشی اعتبارات را کمتر از ۲۰ درصد دانسته‌اند.

۴۶/۲ درصد از پاسخگویان بر این عقیده‌اند که اعتبارات مالی نقش زیادی در ایجاد کشاورزی نوین و پربازده دارد.

پس از ارزیابی و تحلیل هر یک از مؤلفه‌های تأثیرگذار در ارتباط با نقش اعتبارات مالی بر تحولات بخش کشاورزی، هر یک از گویه‌ها بر اساس یکی از درجات پنج‌گانه (خیلی زیاد با امتیاز عددی ۵، زیاد با امتیاز عددی ۴، متوسط با امتیاز عددی ۳، کم با امتیاز عددی ۲ و خیلی کم با امتیاز عددی ۱)، امتیازدهی شدند. نتایج بدست آمده از میانگین وزنی گویه‌ها نشان می‌دهد که گویه "نقش اعتبارات مالی در ایجاد کشاورزی نوین و پربازده" با میانگین ۳/۹۸ در رتبه اول، گویه "تمایل روستاییان برای استفاده مجدد از اعتبارات مالی در بخش کشاورزی" با میانگین ۳/۷۲ در رتبه دوم و گویه "تأثیر اعتبارات مالی بر روی آوردن روستاییان به تهیه تجهیزات، ادوات و ماشین‌آلات پیشرفته در افزایش بازدهی اراضی" با میانگین ۲/۸۶ در رتبه سوم قرار گرفته است.

بر این اساس می‌توان گفت: تخصیص اعتبارات مالی به روستاییان کشاورز باعث توانمندتر شدن آنها در انجام فعالیت‌های اقتصادی بخش کشاورزی شده است. آنها با تهیه نهاده‌های مناسب اعم از بذر، نهال، کود، سم و...، اصلاح اراضی زراعی و باغی، استفاده از ادوات و تجهیزات پیشرفته توانستند میزان بازدهی اراضی خود را افزایش دهند، در بعضی موارد توانستند اراضی بایر بلااستفاده را مورد بهره‌برداری قرار داده و به افزایش سطح زیر کشت کمک کنند. با افزایش میزان تولید و بهبود وضع معیشتی روستاییان، توجه آنها به مشاغل خدماتی بسیار کاهش یافته است. بر این اساس می‌توان گفت: اعتبارات مالی توانسته موجبات تحولات بخش کشاورزی را در نقاط روستایی شهرستان ماسال فراهم کند و از این نظر اثرات مطلوبی را بر نواحی روستایی مورد مطالعه برجای بگذارد. به طوری که مقیاس نظرسنجی‌ها در حد متوسط رو به بالا بوده است.

در زمینه همسویی نتایج این پژوهش با نتایج پژوهشگرانی که در بخش بررسی پیشینه تحقیق به آنها اشاره شد می‌توان اذعان داشت که تأثیر استفاده و کارایی اعتبارات مالی در بخش فعالیت‌های کشاورزی (زراعی، باغی و دامی) در نواحی روستایی ماسال با نتایج بدست آمده از پژوهش‌های مشابه، همسو بوده است. برای مثال:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

۱) افزایش تولیدات زراعی و دامی در نتایج مطالعات Celik (2000)، ۲) افزایش بهره‌وری زمین‌های کشاورزی در مطالعه Cechura (2006) در کشور چک، ۳) نقش اعتبارات مالی در تحولات بخش کشاورزی کشور لهستان در نتایج مطالعات Tomasz (2008) که باعث ایجاد آثار مثبت در متوسط اندازه مزرعه و اشتغال شود، ۴) ارتقای درآمدهای حاصل از رشد فعالیت‌های بخش دامداری در روستاهای کشور پاکستان با استفاده از اعتبارات مالی در نتایج مطالعات عبدالله و همکاران (۲۰۰۹) نیز کاملاً مشهود بوده است؛ ۵) افتخاری و عینالی (۱۳۸۴)؛ ندری (۱۳۸۹)؛ عزیزی و مهرابی بشرآبادی (۱۳۹۳)، استفاده از اعتبارات مالی را زمینه‌ساز افزایش بهره‌وری و افزایش میزان تولیدات، ارتقای افزایش درآمد، اشتغال‌زایی و کاهش مهاجرت دانسته‌اند؛ نتایج دیگری که در مطالعات عینالی و سهرابی وفا (۱۳۹۵)، بارانی و همکاران (۱۳۹۵)، جوانشیری و همکاران (۱۳۹۶)، عبدلله‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، بدست آمده نیز بیانگر آن بوده است که استفاده از اعتبارات مالی، اثربخشی مطلوبی بر فعالیت‌های بخش کشاورزی برجای گذاشته است.

با توجه به یافته‌های پژوهش و همسویی آن با نتایج سایر پژوهش‌های مرتبط می‌توان پیشنهاد نمود که برای رونق بیشتر فعالیت‌های بخش کشاورزی با هدف افزایش بازدهی اراضی زراعی و باغی و افزایش سطح تولیدات، می‌بایست روستاییان را مورد حمایت‌های مالی قرار داد تا بتوانند با بهره‌برداری از روش‌های نوین کشاورزی و استفاده از تجهیزات جدیدتر به توسعه کیفی فعالیت‌های کشاورزی بپردازند. تجربه‌های میدانی نشان داده که دریافت وام‌های انفرادی و حتی بازپرداخت آن توسط روستاییان به دلایل گوناگون با مشکلات متعددی مواجه می‌شود. در حالی که می‌توان با حمایت‌های مالی از کشاورزان روستایی از طریق ایجاد و یا حمایت تشکل‌های مالی روستایی نظیر تعاونی‌های تولید و یا با ورود سپرده‌ها به بازار سهام محصولات کشاورزی، محدودیت‌های مالی روستاییان را مرتفع نمود. با تجمیع منابع و سرمایه‌گذاری‌های هرچند اندک و خرد روستاییان در صندوق‌های مالی تعاونی‌ها، امکان توانمند شدن این مراکز محلی در تهیه نهاده‌ها و تجهیزات کشاورزی فراهم می‌شود که نتیجه نهایی آن چیزی جز افزایش بهره‌وری اراضی کشاورزی نیست.

۶) منابع

- افتخاری، عبدالرضا رکن الدین و عینالی، جمشید (۱۳۸۴)، **ارزیابی نقش اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه اقتصادی روستایی: مطالعه موردی روستاهای حوزه آبریز رودخانه خرارود (شهرستان خدابنده)**، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۴، بهار ۱۳۸۴، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- افتخاری، عبدالرضا رکن الدین؛ عینالی، جمشید و سجاسی قیداری، حمدالله (۱۳۸۵)، **ارزیابی آثار اعتبارات خرد بانکی در توسعه کشاورزی، مطالعه موردی: تعاونی‌های خودجوش روستایی شهرستان خدابنده**، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۶، زمستان، صص ۷۶ - ۴۵.
- بارانی، نادر؛ اسکندری، آذر؛ کرمی، آیت و اسکندری، جواد (۱۳۹۵)، **نقش تسهیلات بانک کشاورزی بر وضعیت اقتصادی کشاورزان شهرستان نیمروز**، ماهنامه شباک، سال دوم، شماره ۶ (پیاپی: ۳۱)، جلد ۱: مطالعات منابع طبیعی، محیط زیست و کشاورزی، شهریور.
- بختیاری، صادق (۱۳۸۹)، **مالیه خرد راهکاری برای افزایش تولید بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی، مجله دانش و توسعه**، سال هفدهم، شماره ۱۳، بهار، صص ۲۱ – ۱.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

- بریمانی، فرامرز؛ نیک منش، زهرا و خداوردی لو، سهیلا (۱۳۹۱)، **بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی، نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۱، پاییز، صص ۸۲-۶۹.
- جوانشیری، مهدی؛ بوزرجمهری، خدیجه؛ هراتی، امالبنین و محمودی، حمیده (۱۳۹۶)، **بررسی تطبیقی نقش اعتبارات خرد در توسعهٔ روستایی نواحی کوهستانی و دشتی، مورد مطالعه: دهستان‌های کارده و میان ولایت شهرستان مشهد**، فصلنامه راهبردهای توسعهٔ روستایی، جلد ۴، شماره ۲، تابستان، صص ۱۸۰-۱۵۷.
- دارابی، حسن (۱۳۸۴)، **تبیین پیامدهای فضایی فعالیت های عمرانی در پرتو مشارکت مردمی، مورد: سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان**، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ساعی، مهدیه و ضیایی، سامان (۱۳۹۵)، **بررسی اثر صندوق‌های اعتباری خرد بر کاهش فقر، ایجاد درآمد و اشتغال در استان کرمان**، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۷، شماره ۲، صص ۲۳۵ – ۲۲۷.
- طالب، مهدی و نجفی اصل، زهره (۱۳۸۶)، **پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری (س) در روستاهای بویین زهرا**، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۳، پاییز، صص ۲۶-۱.
- عبدلله‌زاده، غلامحسین؛ جمشیدی کوهساری، احمد؛ حسینی المدنی، سیدحسن و شریف‌زاده، محمدشریف (۱۳۹۶)، **اثربخشی اعتبارات بر توسعه کسب و کارهای دامپروری در بخش جعفرآباد استان قم**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۱، بهار، صص ۱۸-۱.
- عزیزپور، فرهاد و خداکرمی، زهرا (۱۳۹۴)، **اثرات اجتماعی ـ اقتصادی اعتبارات خرد کشاورزی در نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان کرسف**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعهٔ روستایی، سال چهارم، شماره ۳، پیاپی ۱۳، پاییز، صص ۶۹ – ۵۷.
- عزیزی، آسیه و مهرابی بشرآبادی، حسین (۱۳۹۳)، **بررسی تأثیر تسهیلات پرداختی بانک کشاورزی بر رشد زیربخش‌های کشاورزی**، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۱، شماره ۴، زمستان، صص ۱۱-۱.
- علیپور دهکی، فرشید (۱۳۹۱)، **نقش اعتبارات تخصیصی بانک کشاورزی ایران در توسعه فرصت‌های شغلی بخش کشاورزی استان مازندران**، پایانه نامه کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد کشاورزی، به راهنمایی دکتر حمید محمدی، دانشگاه زابل، دانشکده کشاورزی.
- عمادی، محمدحسین (۱۳۹۰)، **نقش اعتبارات خرد در تسریع فرایند توسعهٔ روستایی ـ مقایسه دو دیدگاه**، مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعهٔ روستایی و فقرزدایی، مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، ۲۹۲.
- عینالی، جمشید و سهرابی وفا، سمیرا (۱۳۹۵)، **ارزیابی نقش اعتبارات خرد گروهی در توسعهٔ کشاورزی با تأکید بر یکپارچه‌سازی اراضی مطالعهٔ دهستان خرارود شهرستان خدابنده**، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال ششم، شماره مسلسل نوزدهم، بهار، صص ۲۱۲ – ۱۹۹.
- فلاحتکار، الهام (۱۳۹۶)، **تبیین عملکرد تعاونی‌های تولید کشاورزی در توسعهٔ روستایی با رویکرد آمایش محیطی (مطالعهٔ موردی: روستاهای شهرستان ساوجبلاغ ـ استان البرز)**، رساله دکتری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، به راهنمایی دکتر نصراله مولایی هشجین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- قربانی، مهدی؛ سالاری، فاطمه و خراسانی، محمدامین (۱۳۹۵)، **تحلیل سرمایه اجتماعی اعضای**

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی، مورد: روستای بسطاق در شهرستان سرایان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۱، بهار، صص ۱۴۶-۱۲۵.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، **نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان ماسال**.
- مشیری، سیدرحیم؛ مهدوی حاجیلویی، مسعود و آمار، تیمور (۱۳۸۳)، **ضرورت تحول در کارکرد اقتصادی نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش خورگام شهرستان رودبار)**، فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی، دوره ۳۶، شماره ۵۰، صص ۱۵۹-۱۴۳.
- معظمی، میترا (۱۳۷۷)، **بررسی مبانی نظری و تجربی اعتبارات روستایی**، تهران: انتشارات وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- موحدی، رضا؛ حاجی هاشمی، زهرا و شهیدی، نوشین (۱۳۹۸)، **عوامل اثرگذار بر کارآمدی پروژه‌های توانمندسازی زنان روستایی، مورد: تعاونی‌های خرد اعتباری در استان اصفهان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هشتم، شماره ۱، بهار، صص ۱۸۲-۱۶۱.
- مولایی، محمد و رحیمی راد، زهره (۱۳۹۵)، **بررسی وضعیت فقر در خانوارهای روستایی ایران طی پنج برنامه توسعه اقتصادی ایران: ۹۲-۱۳۶۸**، جلد ۳، شماره ۲، تابستان، صص ۳۳۵-۲۱۵.
- ندری، کامران (۱۳۸۹)، **بررسی تأثیر اعتبارات کشاورزی بر عملکرد واحد سطح محصولات کشاورزی و سطح زندگی روستاییان، مطالعه موردی: شهرستان سلسله**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، استاد راهنما: دکتر جهانگیر بیابانی، دانشگاه پیام نور تهران.
- نوری نائینی، سیدمحمدسعید (۱۳۸۴)، **اهداف هزاره، اعتبارات خرد و توسعه روستایی در ایران**، مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی، آذر ماه، تهران.

- Abedullah, N.; Mahmood, M.; Khalid & Kouser, S. (2009), **The Role of Agricultural Credit in thegrowth of Livestock Sector: A Case Study of FAISALABAD**, Pakistan Vet. J. Vol. 29, No. 2, PP. 81-84.
- Anthony, E. (2010), **Agricultural Credit and Economic Growth in Nigeria: an Empirical Analysis**. Business and Economics Journal, Vol.59, No.11, and pp. 1-23.
- Arifujjaman Khan, M & Rahaman, M. A. (2007), **Impact of Microfinance on Living Standards, Empowerment and Poverty Alleviation of Poor People: A Case Study on Microfinance in the Chittagong District of Bangladesh**, Masters Thesis, Umeå School of Business (USBE), Department of Business Administration, pp: 1-95.
- Cechura, L. (2006), **The Role of Credit Rationing in Czech Agriculture – the Case of Large Agricultural Enterprises**, Czech University of Agriculture, Prague, AGRIC. ECON. – CZECH, 52, 2006 (10): 477–488.
- Çelik, N. (2000), **Tarimda Girdi Kullanimi Ve Verimlilige Etkileri**, DPT Uzmanlik Tezi, Yayin, No: 2521.
- Escobal, J (2001), **The determinants of non-farm income diversification in rural Peru**, World Development, Vol 29, No 3, pp 497-508.
- ESCOP: Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (1996), **United Nations**, NewYork, pp:1-188.
- Khan, N,. Shafi, M. M., Shah, M., Islam, Z., Arif, M., Javed, R. and Shah, N. (2011), **Review of past literature on agriculture credit in rural area of Pakistan**, Sarhad Journal of Agriculture Vol.27, No.1, pp. 103-110.
- Mittal, Ms. S., (2014), **Contribution of micro-finance institutions for the development of rural community region- its critical aspects of the Success**, International Journal of Innovative Research in Engineering & Management (IJIREM), 23: 1 -2.
- Mittal, Ms. S., (2014), **Contribution of micro-finance institutions for the development of rural community region- its critical aspects of the Success**, International Journal of Innovative Research in Engineering & Management (IJIREM), 23: 1-2.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]

- Roht, J. (2002), **The limits of micro credit as a rural development intervention**, Institute for Development Policy and Management, Manchester University.
- Tomasz, S. (2008), **Do Farm Credits Stimulate Development of Agriculture in Poland?**, 12th Congress of the European Association of Agricultural Economists, EAAE.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.9.1]